



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

The Principle of Interpretation in Favor of the Defendant in Criminal Law

Rouhollah Mohammadi*¹, Mohammad Javad Baqizadeh², Behnam Yousefian³

1. PhD Student in Jurisprudence and Criminal Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Criminal Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 137-143

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5282-9465

TELL: +982335225012

Email: baqizadeh@gmail.com

Article history:

Received: 11 May 2021

Revised: 09 Jul 2021

Accepted: 25 Jul 2021

Published online: 23 Sep 2021

Keywords:

*Criminal Laws,
Limited Interpretation,
Interpretation in Favor of
the Defendant.*

ABSTRACT

One of the most important issues in various legal and judicial areas is the quality of interpretation and understanding the legislator's opinion of laws and regulations. The multiple, diffuse and sometimes different laws, the complexity of the subjects and the comprehension of the laws, results in numerous and sometimes different interpretations and judgments. Therefore, it is important to interpret legal provisions. One kind of the interpretations of criminal legal texts is "limited interpretation" and also "interpretation in favor of the defendant". This kind of interpretation is inspired by the jurisprudential principle of "acquittal". In statutory law, the principle of limited interpretation is known as the result of the legality of crimes. The present paper has been used to investigate the differences between the two interpretations by descriptive and analytical method and concluded that the limited interpretation, although in most cases, is in favor of the defendant, but it is not necessarily the case, and perhaps in instances, the interpretation of the extent is in favor of the defendant. In the event of conflict, "limited interpretation" of criminal law takes precedence over "interpretation in favor of the defendant".



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Mohammadi, R; Baqizadeh, MJ & Yousefian, B (2021). "The Principle of Interpretation in Favor of the Defendant in Criminal Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3): 137-143.



انجمن علمی فقه‌جرائی تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرائی تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرائی تطبیقی

دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

اصل تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری

روح اله محمدی^۱، محمدجواد باقی‌زاده^{۲*}، بهنام یوسفیان^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق جزا، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم در حوزه‌های مختلف حقوقی و قضایی، کیفیت تفسیر و استنباط نظر قانون‌گذار از قوانین و مقررات است. قوانین متعدد و پراکنده و بعضاً متخالف، پیچیدگی موضوعات و اجمال قوانین، موجب تفاسیر و برداشت‌ها و قضاوت‌های متعدد و بعضاً متفاوت می‌شود، از همین‌رو، ضرورت تفسیر مواد حقوقی اهمیت خود را نشان می‌دهد. یکی از انواع تفسیرهای متون حقوقی کیفری، تفسیر مضیق و نیز تفسیر به نفع متهم است. این نوع تفسیر خود ملهم از قواعد فقهی و اصولی برائت و قبح عقاب بلایان است. در حقوق موضوعه نیز، اصل تفسیر مضیق، از متفرعات اصل قانونی بودن جرایم شناخته می‌شود. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی اجمالی تفاوت میان دو تفسیر مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تفسیر مضیق اگرچه در غالب موارد، به نفع متهم است لیکن الزاماً اینگونه نیست و چه‌بسا در مصادیقی، تفسیر موسع به نفع متهم باشد. در تعارض تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری، اصل بر تفسیر مضیق است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۷-۱۴۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۴۶۵-۵۲۸۲-۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۳۳۵۲۲۵۰۱۲

ایمیل: baqizadeh@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

قوانین کیفری، تفسیر مضیق، تفسیر به

نفع متهم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

قانونگذار در چارچوب اصول و مبانی نظام حقوق جامعه (ولیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۱). با توجه به اینکه قاضی دادگاه نمی‌تواند به بهانه اجمال و ابهام و تناقض قانون یا نبودن نص صریح از فصل دعاوی امتناع کند (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۱۴۹/۱)، لذا وجود تفسیر ضروری می‌نماید.

تفسیر قانون، تجلی‌گاه اوج دانش حقوقی دادرسان و حقوق دانان و نتیجه ممارست طولانی آنان در کار دشوار فهم قانون است و طبیعی است که دست یافتن به چنین مهمی، قبل از هر چیز، نیازمند روشی مضبوط و قانون‌مند تفسیر می‌باشد و واگذار کردن آن به سلیقه‌ها و افکار شخصی هر دادرس و حقوق دان بدون تمسک به ضوابطی مضبوط و منقح، امری شایسته نیست (قیاسی، ۱۳۹۸: ۱۱). تفسیر، به قوانین موضوعه و مصادری که دارای لفظ و معنا است اختصاص دارد و قوانین و قواعد عرفی به جهت عدم نص و عبارت رسمی قابل تفسیر نیست (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۱). اگر حکم واقعه یا عملی حقوقی در نصوص قانونی آشکار باشد و جایی برای اختلاف نظر وجود نداشته باشد، پیروی از آن الزامی است؛ اما زمانی که قانون حکم مسأله‌ای را به نحو آشکار و منصوص بیان ننموده، تفسیر مطرح می‌شود.

اساسی‌ترین موارد تفسیر قانون عبارتند از: نقص قانون^۱، اجمال و ابهام^۲، تعارض قوانین^۳ و فقدان قانون^۴.

۱ - نقص در صورتی است که قانون گذار همه مسائل مورد نیاز را در قانون ذکر ننموده باشد.

۲ - اجمال و پیچیدگی قانون ممکن است مربوط به موضوع قضیه، حکم آن و یا هر دوی آن‌ها باشد. اجمال و عدم صراحت در قانون اسباب گوناگونی دارد از جمله به‌کارگیری الفاظ مشترک.

۳ - هنگامی که بخشی از قانون با بخش دیگر اختلاف و تضاد داشته باشد به طوری که نتوان در یک زمان، به هر دوی آن‌ها عمل کرد و نتوان بین آن‌ها هماهنگی و سازش ایجاد نمود.

۴ - گاه در یک موضوع و مسأله حقوقی، قانون وجود ندارد که این امر ریشه در کوتاهی یا عدم دقت قانون‌گذار و یا ضعف وی در پیش‌بینی موقعیت‌های خاص دارد. به عنوان مثال اگر زوج دادخواستی مبنی بر بطلان نکاح به دلیل کافر غیر کتابی بودن زوجه به دادگاه ارائه دهد، در قانون مدنی بر خلاف نص صریح قرآن و اجماع فقها، ماده‌ای وجود ندارد.

یکی از قواعد مسلمه در حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. یکی از نتایج تفسیر قانون به نفع متهم، تفسیر مضیق قوانین جزایی قلمداد است، از این رو دادرسان با تفسیر موسع از قانون در جرم‌انگاری رفتار متهم، نمی‌توانند عملی را که قانون‌گذار مستقیماً جرم اعلام نکرده، جرم محسوب کنند و متهم را مجرم تلقی نمایند. این اصل از نظر شرعی و فقهی نیز ریشه در «اصل برائت»، «قبح عقاب بلا بیان و قبح عقاب بلا دلیل» و «اصل اباحه» دارد. و در حقیقت به نظر می‌رسد مبانی تدوین این اصل، سه مستند فقهی ذکر شده می‌باشند.

از آنجا که طی قرون گذشته، منصب قضای اسلامی در اختیار فقها و مجتهدان قرار داشته، طبعاً علم اصول فقه که تنها روش تفسیر منابع اسلامی و استنباط از آن است به خوبی نقش خود را ایفا نموده و پاسخگوی نیازهای حقوقی در زمینه تفسیر قانون (فقه) بوده است، لیکن با آغاز عصر مشروطیت و حاکمیت قوانین موضوعه، در کمتر از صد سال اخیر، مسائل جدیدی در عرصه علم حقوق و تفسیر قانون مطرح شده که مقاله حاضر با نگاهی توأمان به فقه و حقوق در جهت استفاده همزمان از تجربه‌های حقوق دانان و فقها در امر تفسیر قانون به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و مشاوره‌ای و با استفاده از منابع اصول فقه و حقوق در مقام پاسخ به این سؤالات است که بین اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات چه رابطه‌ای وجود دارد؟ و تفسیر مضیق با تفسیر به نفع متهم چه تفاوتی دارد؟ در مقام پاسخ به این سؤالات به مبانی تفسیر شک به نفع متهم و جایگاه آن در حقوق کیفری اشاره می‌شود.

۱- مفهوم‌شناسی تفسیر

تفسیر در لغت به معنای هویدا کردن، بیان کردن و شرح دادن آمده است (معین، ذیل کلمه) و به معنی بیان و کشف مقصود گوینده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). تفسیر در اصطلاح قانونی عبارت است از تعیین مدلول و دایره شمول مواد قانون مبهم یا مجمل با توجه به مقصود

۲- انواع تفسیر

تفسیر (و در مانحن فیه، تفسیر جزایی) حسب مقسم‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌های متعددی دارد. گاه تفسیر قانون با توجه به مرجع تفسیر کننده به انواعی تقسیم می‌شود. برخی از نویسندگان عنوان این بحث را انواع تفسیر قرار داده‌اند، اما چون محور این تقسیم، مرجع تفسیر کننده است و از طرفی تفسیر به لحاظ جهات دیگر، انواع دیگری نیز می‌یابد، عنوان مرجع تفسیر انتخاب گردیده است. تفسیر از این حیث به تفسیر قانونی و تفسیر قضایی تقسیم می‌شود.^۱ در مقابل، تفسیر ادبی، تفسیر منطقی (توضیحی)، تفسیر تاریخی، تفسیر اصولی و تفسیر لفظی از جمله تفاسیر به اعتبار وسیله استنباط هستند.

در یک تقسیم‌بندی عام و کلی، تفسیر و عمدتاً تفسیر قضایی به دو نوع موسع و مضیق تقسیم می‌شود که هر یک در مواردی خاص به کار می‌آید. این دو روش تفسیری محصول حصر عقلی‌اند. تفسیر موسع آن است که معنی مواد قانونی را تا آنجا که قابلیت کشش دارد، با رعایت انصاف و عدالت قضایی توسعه دهند. در تفسیر موسع تنها پای‌بندی به الفاظ و عبارات قانون کافی نیست و باید به مصالح مورد نظر قانون‌گذار نیز مراجعه کرد. بر اساس این روش، حکمی که قانون برای موضوعی معین در نظر گرفته به موضوعات و حالات مشابه تسری داده می‌شود زیرا قانون‌گذار به همه این اعمال و رفتار انسان‌ها احاطه و اشراف ندارد تا آن‌ها را پیش‌بینی کند یا برای هر یک حکمی مستقل در قانون در نظر گیرد. بنابراین با استناد به روح و علت وضع و هدف قانون‌گذار و عرف و عادت، تفسیری موسع از قانون ارائه می‌شود. در حقوق خصوصی به سبب انعطاف‌پذیری بیشتر متون قانونی و نپرداختن به جنبه‌های نظم عمومی و مصالح اجتماعی، قاضی می‌تواند با توسل به این شیوه، راه حلی در

خور بیابد؛ اما بر عکس در امور جزایی که عموماً جنبه نظم عمومی دارد و به مصالح اجتماعی مربوط می‌گردد، تفسیر موسع به سلب حقوق و آزادی‌های فردی می‌انجامد و با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها سازگاری ندارد (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). بر اساس تفسیر موسع مفاد یک حکم، مصادیق مشکوک خود را نیز شامل می‌شود (قیاسی، ۱۳۹۸: ۲۱۸).

در مقابل، تفسیر مضیق، تفسیری است که در آن از معنای مواد قانونی تجاوز ننموده و حدود اجرای آن را توسعه ندهند. اصولاً تفسیر مضیق در قوانین مربوط به نظم عمومی به کار می‌رود زیرا این قبیل قوانین با مصالح اساسی جامعه پیوند دارد و بر اساس آن، آزادی‌های فردی حفظ می‌گردد. مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تمامی قوانین کیفری باید به طور مضیق و محدود تفسیر گردند و قوانین، کاملاً طبق همان الفاظ و عباراتی که قانون‌گذار برای بیان اغراض خود به کار برده است، صورت گیرد. این تفسیر، جلوه‌ای از اصل برائت است و به منظور پاسداری از حرمت و آزادی افراد به کار گرفته می‌شود (صانعی، ۱۳۷۴: ۱۶۵/۱). در تفسیر قوانین جزایی اصل آن است که مضیق و محدود به منطوق صریح قانون باشد

۳- تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم

«تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم» یکی از اصول حقوقی است که در بین حقوقدانان دارای معروفیت و مقبولیت بوده و غالباً مسلم تلقی می‌گردد هر چند ذکر صریحی نیز در مواد قانونی از آن نیست. یکی از قواعد مسلمة در حقوق جزا، اصل تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم عنوان شده که متفرع بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات تلقی می‌گردد که خود مستنبط از اصل اباحه و اصل برائت است و نتیجه اجرای این قواعد در تفسیر قوانین جزایی می‌تواند منتهی به نتیجه برائت مرتکب رفتاری شده که در جرم‌انگاری آن در قوانین جزایی شک و شبهه وجود دارد. به نظر می‌رسد این اصل ریشه در دکترین حقوقی دارد که بر اساس منابع حقوق بین‌المللی شکل گرفته است و مستنداتی هم در منابع اصولی و فقهی همانند «اصل برائت»، «قبح عقاب بلا بیان»،

۱ - بسیاری از دانشمندان به خصوص دانشمندان مکتب کلاسیک قرن گذشته طرفدار این تفسیر بودند. آنان با استناد به اصل تفکیک قوا می‌گفتند که چون امر قانون‌گذاری از وظایف خاصه قوه مقننه است لذا تفسیر قانون نیز از وظایف خود مقنن می‌باشد (محسنی، ۱۳۶۵: ۳۲۹).

«حدیث رفع قلم»، «اصل اباحه»، «قاعده درأ»، «ترجیح خطای حاکم در عفو بر خطای در عقوبت عند الشبهات» را می‌توان برای آن احصا نمود. در حقیقت منابع اعتبار بخش در تدوین این اصل، می‌تواند این قواعد و اصول باشد که هم در شبهات حکمیه و هم در شبهات موضوعیه و نیز در مقام تفسیر قوانین جزایی و هم در مقام اثبات جرایم حاکم است.

جایگاه تفسیر در دو مقام قابل تصور است: نخست، شک در اراده قانون‌گذار؛ بدین توضیح که گاهی قانون، از وضوح و صراحت لازم برخوردار نبوده، یا با قوانین دیگر در تعارض است که این امور سبب ایجاد ضرورت به تفسیر قوانین می‌شوند و دوم، شک در مقام اثبات جرم؛ یعنی دلیلی علیه متهم در دست نبوده، یا ادله جرم ناکافی است، به گونه‌ای که نمی‌توان متهم را محکوم کرد. هنگام شک در اراده قانون‌گذار، تفسیر شک به نفع متهم با اصل برائت و اصل اباحه و قاعده درأ مشابهت داشته و اساساً این قاعده ظاهراً از اصل برائت و اصل اباحه و قاعده درأ متخذ بوده است.

همچنین به نظر می‌رسد هنگام شک در اراده قانون‌گذار، شارحین قانون و قضات موظف به تفسیر قانون از طرق معتبر و مسلم منطقی و اصولی بعد از فحص وجستجو از قرائن جهت کشف اراده مقنن می‌باشند و بعد الفحص و یأس از وجدان قرائن متصله و منفصله مبین اراده مقنن، باز هم بایستی طبق اصول منطقی و مسلم، قوانین جزایی تفسیر گردد لذا شک می‌تواند مجرای اصول لفظیه از جمله اصله الاطلاق و اصله العموم باشد که نتیجه‌اش با اصل تفسیر ادبی و مضیق قوانین جزایی در منطوق الفاظ قانون که اعم از نص و ظاهر الفاظ می‌باشد سازگار ولیکن با اصل به نفع متهم در تضاد می‌باشد لذا هر شکی لزوماً منتهی به نفع متهم و برائت متهم نمی‌گردد.

در زبان حقوق‌دانان از تفسیر مضیق نیز سخن فراوان به میان می‌آید. در بدو امر به نظر می‌رسد یکی از مبانی تفسیر قانون جزا به نفع متهم، تفسیر مضیق قوانین جزایی در شمول ازمانی و افرادی است، به همین جهت محاکم و قضات نمی‌توانند در برخی از موارد تفسیری موسع نموده و

فراتر از منطوق الفاظ قانون، رفتاری را که در زمان ارتکاب در قانون و شرع، جرم‌انگاری نشده، جرم محسوب کنند و مرتکب را مجرم قلمداد نمایند ولیکن باید توجه داشت که این دو اصطلاح تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم با هم تفاوت دارند و هر تفسیر مضیقی همواره به نفع متهم نیست و هر تفسیر به نفع متهمی هم همیشه مضیق نیست (قیاسی، ۱۳۹۸: ۱۸۶). اساساً آنچه در تفسیر قوانین کیفری مهم انگاشته شده است ملحوظ داشتن نفع متهم است که گاه به تفسیر مضیق تعبیر و گاه این دو نوع تفسیر یکی انگاشته می‌شوند.

همچنین یکی از قواعد مسلم در حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که نتیجه اجرای این قاعده منجر به تفسیر قانون به نفع متهم می‌گردد و بدین لحاظ وضع چنین اصلی، اصل حمایتی از حقوق متهم قلمداد شده است. با لحاظ و رعایت این اصل، نمی‌توان عملی را که مقنن جرم اعلام نکرده، جرم محسوب و مرتکب آن رفتار را مستحق مجازات دانست. هنگام شک در تحقق جرمی و فقد دلیل مثبت در تحقق جرمی و یا در انتساب جرمی، قاضی می‌تواند با تمسک به اصل اباحه و اصل برائت متخذ از قبح عقاب بلایبان و بلا دلیل و قاعده درأ، هم رفتار ارتكابی را که در قانون تصریح به جرم بودنش نشده، ولی شک در شامل شدن عنوان مجرمانه بر آن وجود دارد از تحت عنوان مجرمانه خارج و مباح تلقی نماید و هم در مقام اثبات جرم و فقد دلیل مثبت، حکم به برائت متهم صادر نماید (صانعی، ۱۳۷۴: ۵۱/۱).

۴- تعارض تفسیر مضیق با تفسیر به نفع متهم

تفسیر مضیق قوانین کیفری در غالب موارد به نفع متهم است از اینرو است که گاه برخی تفسیر مضیق را معادل تفسیر به نفع متهم دانسته‌اند و حال آنکه تفسیر مضیق الزاماً به معنای تفسیر به نفع متهم نیست. به عنوان مثال، مقنن در مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا قاضی را مختار کرده است که در صورت صلاحدید در مقام تخفیف مجازات مجرمین، وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم را مورد لحاظ قرار دهد. اما وجود چنین انگیزه‌ای و شرافتمندانه بودن آن را چه کسی

۵- تفسیر مضیق قوانین جزایی در اصول فقه

اصولاً تفسیر در حقوق اسلامی در بحث «دلیل» مطرح می‌شود؛ دلیل از لحاظ دلالت بر مدلول خود، تفسیر، مسائل حقوقی و جزایی هر دو را در بر می‌گیرد. گاه دلیل «نص» است که جز یک معنا، احتمال معنای دیگری در آن نمی‌رود، یعنی نص دلیلی است که مدلول آن کاملاً روشن و آشکار است؛ در این مورد نص حجت است و تفسیر بردار نیستند و به اصطلاح اجتهاد در مقابل نص نمی‌توان نمود و گاه دلیل «ظاهر» است، یعنی احتمال خلافی در دلیل وجود دارد اما این احتمال ضعیف است؛ که بعد از فحص از قرائن مخالف ظاهر و یأس از یافتن آن، بایستی به حجیت ظواهر اتکا کرد و اما اگر دلیل مجمل باشد، یعنی در مدلول دلیل احتمالات مساوی به وجود آید و یا دلیل مؤول باشد، تفسیر در این موارد جهت کشف مراد مقنن مطرح است چه منتهی به تفسیر مضیق گردد و چه موسع. همچنین در صورت فقد دلیل یا اجمال و تعارض دلیلین نیز اصولی مطرح می‌گردد که حکم ظاهری عملی از آن استنباط می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

۶- نتایج تفسیر شک در قوانین جزایی

چنانچه در قوانین جزایی امر مشکوک نیازمند تفسیر باشد، آثار و نتایج زیر را به دنبال خواهد داشت. نخست آنکه دادرس مکلف است در حالت شک، اقدام به تبرئه متهم نماید. اصل برائت در حال شک در غالب قانونگذاری‌ها پذیرفته شده است. وقتی قانون جزا، مبین نشده، مجمل است یا ابهام دارد، به نحوی که نمی‌توان نظر قانونگذار را بعد الفحص از قرائن مبین، کشف نمود و رفتار ارتكابی را با جرمی مطابقت داد، براساس اصل برائت، قبح عقاب بلا بیان و اصل اباحه، عدم ممنوعیت رفتار ارتكابی احراز و باید متهم را تبرئه نمود. عدم توسعه وصف مجرمانه به وسیله ظنون مطلق غیر معتبره از جمله قیاس، استحسان و سد ذرایع از دیگر نتایج تفسیر به نفع متهم است (مؤذن زادگان و غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

نتیجه‌گیری

تفسیر قانونی یکی از پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین مسائل حقوقی و جزایی است. جایگاه تفسیر در دو مقام قابل تصور

باید احراز نماید؟ به‌عنوان مثال چنانچه آقای الف با این ادعا که خانم ب حدود شرعی حجاب را رعایت نکرده، از خود خشونت عملی نشان دهد آیا می‌توان انگیزه مزبور را شرافتمندانه دانست؟ همچنین اگر کسی با این انگیزه که فقرا دارای سهمی در اموال اغنیاء می‌باشند اقدام به سرقت اموال ایشان نموده و به فقرا ببخشد، از تخفیف مجازات بدلیل برخوردار از انگیزه شرافتمندانه برخوردار خواهد بود؟ یا آنکه مراد از انگیزه شرافتمندانه همانا در مواردی مصداق دارد که مثلاً شخصی در مقام دفاع از مظلوم اقدام به خشونت علیه ظالم نموده و یا جهت فرار فردی بی‌گناه از زندان مساعدت ورزد؟ در همین رابطه می‌توان به فردی که به انگیزه آبادانی کشور و پیشرفت آن، به اقداماتی نظیر تشکیل گروه یا دسته و یا سازماندهی غیرقانونی تظاهرات خیابانی دست می‌زند اشاره نمود. آیا می‌توان انگیزه چنین فردی را شرافتمندانه دانست و وی را مستحق تخفیف مجازات شمرد؟ تفسیر موسع از مفهوم انگیزه شرافتمندانه، در تمامی مصادیق مذکور، به نفع متهم خواهد بود.

با این حال، مواردی نیز وجود دارد که تفسیر موسع قوانین کیفری، به ضرر متهم باشد. به‌عنوان مثال: طبق ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند.» در این ماده مفهوم همسر دارای شبهه است زیرا همسر اعم از همسر موقت و دائم می‌باشد. حال سؤال اینکه آیا قانونگذار علاوه بر همسر دائم، اجازه قتل همسر موقت را نیز به شوهر داده است؟ تفسیر مضیق مفهوم «همسر» ناظر بر همسر دائمی است و تفسیر موسع، همسر موقت را نیز شامل می‌گردد. در اینجا چنانچه الف اقدام به قتل در فراش همسر موقت خود نماید، تفسیر موسع به نفع او بوده و می‌تواند وی را از مجازات برهاند در حالی که ارایه تفسیر مضیق از مفهوم همسر (و حمل آن صرفاً بر همسر دائم) موجب تحمیل مجازات قتل بر او است. در تعارض تفسیر مضیق با تفسیر به نفع متهم، الویت با تفسیر مضیق قوانین کیفری است (احسان‌پور، ۱۴۰۰: ۵۲).

منابع و مأخذ

- است: نخست، شک در اراده قانون‌گذار؛ بدین توضیح که گاهی قانون، از وضوح و صراحت لازم برخوردار نبوده، یا با قوانین دیگر در تعارض است که این امور سبب ایجاد ضرورت به تفسیر قوانین می‌شوند و دوم، شک در اثبات جرم؛ یعنی دلیلی علیه متهم در دست نبوده، یا ادله جرم ناکافی است، به گونه‌ای که نمی‌توان متهم را محکوم کرد.
- هنگام شک در اراده قانون‌گذار، قاعده تفسیر شک به نفع متهم با اصل براءت و اصل اباحه و قاعده درأ مشابیهت داشته و اساساً این قاعده ظاهراً از همین اصول متخذ بوده است. در حقوق اسلامی اصل براءت خود متخذ از متون نقلی شرعی (ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً) (اسراء/۱۵) و حدیث نبوی رفع القلم و قواعد عقلی قبح عقاب بلا بیان و قبح عقاب بلا دلیل می‌باشد که مجرای قبح عقاب بلا بیان در شبهه موضوعیه و در شبهه حکمیّه بوده که البته می‌توان اصل قانونی بودن مجازات‌ها متبلور در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی را هم متخذ از آن دانست. بنابراین اعمال این قاعده از موارد سقوط مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی می‌باشد که تعبیر به تفسیر قوانین به نفع متهم هم می‌گردد و لیکن قبح عقاب بلا دلیل علاوه بر این دو مورد، در مقام اثبات و در موارد شبهه در مجرم بودن شخص (انتساب جرم به شخص) نیز جاری است. به موجب اصل اباحه، با وجود تردید در ممنوعیت رفتار ارتكابی، نمی‌توان رفتار ارتكابی را مجرمانه تلقی نمود و بالتبع حکم به مجازات هم سالبه به انتفاء موضوع می‌گردد.
- ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.
- تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.
- قرآن کریم
- احسان‌پور، سید رضا (۱۴۰۰). مختصر و نافع در حقوق جزای عمومی. تهران: جنگل.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی. جلد اول، تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: میزان.
- دیلمی، احمد (۱۳۸۲). بایسته‌های تفسیر قوانین با تأکید بر قوانین اساسی و مدنی. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). روش تفسیر قوانین کیفری. ویرایش دوم، قم: بوستان کتاب.
- محسنی، مرتضی (۱۳۶۵). دوره حقوق جزای عمومی. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۱). قواعد فقه، بخش جزایی. چاپ چهل و پنجم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. جلد اول، تهران: زرین.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و غلامعلی‌زاده، حسن (۱۳۸۸). «بررسی تحلیلی جایگاه تفسیر شک به نفع متهم در حقوق کیفری». پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۰: ۱۳۳-۱۴۸.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۷). مختصرالنافع حقوق جزای عمومی. قم: انتشارات دارالفکر.